

### بررسی تاثیر مشارکت دانش آموزان در فعاليت های کلاس

نرگس سارانی

اداره آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان

#### چکیده:

بررسی تاثیر مشارکت دانش آموزان در فعاليت های کلاس یک موضوع مهم است که تأثير بزرگی بر عملکرد و یادگیری آنها دارد. مشارکت دانش آموزان می تواند به عنوان یک ابزار موثر برای تقویت مهارت های اجتماعی، تفکر انتقادی، حل مسائل و یادگیری عمیق مورد استفاده قرار گیرد. در نظام آموزشی ایران، مدت ها است که معلمان با تکیه بر روش های سنتی به ویژه سخنرانی، دانش آموزان را به حفظ و تکرار مفاهیم علمی ترغیب می کنند. علی رغم اینکه در محافل علمی و تربیتی حتی اجرای صحبت از فعال شدن شاگرد، رشد فکری و آزاداندیشی او می شود؛ اما عملاً چنین دیدگاهی جنبه شعارگونه به خود گرفته است در واقعهای که توضیح داده شده است، مسئله اصلی نه تنها در نظام آموزشی ایران بلکه در سیستم های آموزشی دیگر نیز وجود دارد. روش های سنتی و تمرکز بر حفظ و تکرار مفاهیم، ممکن است باعث کاهش خلاقیت، تفکر انتقادی و مهارت های انعطاف پذیری دانش آموزان شود. برای حل این مشکل و ایجاد یک محیط آموزشی مفیدتر، می توان از روش ها و شیوه های آموزشی مدرن و فعال استفاده کرد

**کلیدواژه ها:** مشارکت ، فعاليت های کلاس، دانش آموزان

## مقدمه

قرن 21 دانش و اطلاعات است و مدارس می‌بایست دانش‌آموزانی را پرورش دهد تا علاوه بر کسب دانش و مهارت‌های تحصیلی، ذهنی باز و نسبت به مسائل پیرامون خود دیدگاه مثبت و عمیق داشته باشند. موفقیت در اجرای فعالیت‌های فوق برنامه علاوه بر علاقه نشان دادن دانش‌آموزان، به تدبیر مدیر و معلمان نیز بستگی دارد که با برنامه‌ریزی دقیق خود فعالیت دانش‌آموزان را در تحقق فرآیند یادگیری و تعمیق مطالب به آن‌ها جهت بخشند و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را حاصل کنند. ارتباط صمیمانه و صادقانه بین مدیر، کادر آموزشی و دانش‌آموزان نشان‌دهنده جوی آزاد و باز در مدرسه است و کنترل دانش‌آموزان را به سمت شیوه‌های انسانی متعادل سوق می‌دهد و زمینه‌های پیشرفت آنان را نه تنها در درس بلکه در تمامی امور زندگی مهیا می‌سازد، مدیران با برنامه‌ریزی دقیق و به هنگام در خصوص فعالیت‌های فوق برنامه در خارج از ساعات مدرسه و مشروط بر اینکه جان در گذشته تدریس را انتقال معلومات می‌دانستند، ولی امروزه همه صاحب‌نظران با مفهوم سنتی تدریس یعنی انتقال دانش و معلومات مخالف هستند امروزه معلم باید دانش‌آموزان را با مطالب یادگرفتنی درگیر نماید و راه و روش دانستن را به آن‌ها بیاموزد نه این که تنها به انتقال اطلاعات و معلومات و حقایق اکتفا نماید (نصرافهانی، 1391؛ شعبانی، 1397؛ فتحی آذر، 1392).

پیاژه (1398) معتقد است که وقتی دانش‌آموزان فعال نباشند، به صرف شنیدن سخن دیگران یاد نمی‌گیرند. بوم (1393) معتقد است یادگیری ضمن رفتار فعال دانش‌آموز رخ می‌دهد و آنچه دانش‌آموز انجام می‌دهد سبب یادگیری می‌شود. دیوئی می‌گوید: هسته اصلی جریان تدریس فراهم کردن شرایط محیطی است که دانش‌آموز بتواند در آن به تعامل بپردازد. امروزه معلمان بیشترین استفاده را از مواد و منابع آموزشی می‌کنند؛ به دانش‌آموز که مسئول یادگیری خویش است کمتر توجه می‌کنند و خواه‌ناخواه تدریس را به صورت یک‌طرفه و خطی انجام می‌دهند. در صورتی که فعال بودن دانش‌آموز یکی از شرایط لازم در یادگیری است. یوزوک بونام (2012) اظهار می‌دارد که روش و میزان کنش و واکنش بین معلم و دانش‌آموزان، مواد درسی و محیط یادگیری، میزان یادگیری را در کلاس‌های درسی مشخص می‌نماید؛ بنابراین، اگر شرایط یادگیری فراهم شود، دانش‌آموزان خود به یادگیری خواهند پرداخت (شعبانی، 1397)؛ بنابراین، در تدریس باید شرایطی فراهم گردد که دانش‌آموز با محتوا درگیر شود کالاهان و کلارک (2013) معتقدند با اطمینان باید گفت کلاسی وضعیت مطلوب را دارا است که در آن، دانش‌آموزان نیمی از وقت را در فعالیت‌های کلاسی شرکت کنند. مالکوا هم معتقد است که کارایی آموزش مدرسه تا حدود زیادی به گسترش ارتباطات بین معلم و دانش‌آموزان بستگی دارد. ارتباط‌هایی که موجب می‌شوند دانش‌آموزان هرچه بیشتر در فرایند تدریس مشارکت کنند

2- روش شناسی :

پژوهش انجام گرفته جز پژوهش‌های موردی است زیرا مطالعه موردی یک روش پژوهش علمی است که به صورت باز، ژرف و جزئی‌نگر به مطالعه یک مورد خاص می‌پردازد. در دسته‌بندی انواع روش تحقیق علمی این روش یکی از انواع تحقیق توصیفی محسوب می‌شود. در این روش پژوهشگر به انتخاب یک مورد پرداخته و آن را از جنبه‌های مختلف بررسی می‌کند. این مورد می‌تواند یک واحد یا سیستم با حد و مرز مشخص و متشکل از عناصر و عوامل متعدد و مرتبط به هم باشد. هدف کلی در این روش مشاهده تفصیلی ابعاد «مورد» تحت مطالعه و تفسیر مشاهده‌ها از دیدگاه کل‌گرا است. از این رو مطالعه موردی بیشتر به روش کیفی و با تأکید بر فرایندها و درک و تفسیر آن‌ها انجام می‌شود.

3- بحث درباره یافته‌ها

در اوایل دهه 1980 کمیسیون ملی آموزش و پرورش آمریکا طی گزارشی با عنوان ملت در خطر، اذعان داشت که در سیستم آموزشی یک غفلت جدی وجود دارد (کمیسیون ملی آموزش عالی، 1983). بعد از گزارش این کمیسیون تلاش‌های گسترده‌ای برای شناسایی عواملی که در ترک تحصیل زیاد دانش‌آموزان و موفقیت پایین آنان در مدرسه مؤثر است صورت گرفت. نکته قابل توجه این بود که

مشارکت دانش آموز به عنوان یک عامل کلیدی برای موفقیت در ادامه تحصیل دانش آموزان شناسایی شد. مشارکت دانش آموز توضیح می دهد، هنگامی که دانش آموزان با محیط مدرسه و با فعالیت های کلاسی روبرو می شوند چطور رفتار کرده، احساس و فکر می کنند (فردریکس، بلومن فیلد و پاریس، 2015).

مشارکت دانش آموز: هنگامی که دانش آموزی فعالانه از طریق افکار، احساسات و اعمالش در مدرسه مشارکت می کند که این تلاشی برای افزایش موفقیت دانش آموزان است و از ترک تحصیل آنان جلوگیری می کند (آپلتن، کریستنسون و فرلانگ، 2008؛ کریستنسون و همکاران، 2008، فردریکس، بلومن فیلد و پاریس، 2004؛ فرلانگ، ویپل، جین، سای منتال، سولیز و پانتانا، 2003). محققان به گسترش مفهوم مشارکت دانش آموز علاقه دارند چراکه فکر می کنند این سازه پیش بینی کننده مهم عدم ترک تحصیل دانش آموزان در دبیرستان و اکتساب موفقیت های بیشتر توسط آنان است. افزایش احساسات مثبت درباره مدرسه در طی نوجوانی به پیشرفت تحصیلی بیشتری منجر می شود و از آن طرف کاهش تعهد نسبت به مدرسه و آموزش، به بزهکاری نوجوان منجر می شود (اسکینر و کیندرمن و فورر، 2009). کو (2009) اذعان می کند که تعامل در دوران مدرسه و دانشگاه پایه و اساس مهارت های مورد نیاز افراد برای یک زندگی رضایت بخش و مولد بعد از دانشگاه است. دانش آموزانی که در کلاس به طور فعالی مشارکت نمی کنند و همچنین خود را متعلق و در ارتباط با مدرسه نمی دانند بیشتر احتمال دارد تا در بزهکاری و مشکلات رفتاری درگیر شوند (کروسون، ایرکسون و پرن بوش، 2002). عواقب و پیامدهای ناشی از تعامل، طولانی مدت است و فقط به دوران مدرسه محدود نمی شود (جوزف بونو، 2011)، بنابراین مدارس ملزم شده اند که به تدوین برنامه هایی بپردازند که تعامل دانش آموز را که با مشارکت و تلاش های پیوسته در قلمروهای علمی، بین فردی، فوق برنامه مشخص شده افزایش دهند (جوزف بونو، 2011).

باین حال مشارکت دانش آموز به عنوان یک سازه چندبعدی شامل ابعاد رفتاری، شناختی و عاطفی می باشد (آپلتن و همکاران، 2008؛ فردریکس و همکاران، 2004) که در پژوهش حاضر به دو بعد رفتاری و عاطفی آن پرداخته شده است. اسکینر، ویلبورن، کانل (1999) و کانل و همکاران (1994) بیان میکنند که مشارکت ترکیبی از ابعاد رفتاری و عاطفی است و شامل ابعاد فعالیت، هدفگیری، انعطاف پذیری، سازنده گرایی، پشتکار، تمرکزگرایی، ارتباطات مثبت عاطفی با محیط های اجتماعی و فیزیکی می شود. به طور کلی مبانی مشارکت رفتاری - عاطفی در کلاس درس به عنوان یک پیامد انگیزشی به مشارکت دانش آموز در شروع و اجرای فعالیت های یادگیری اشاره دارد و به وسیله دو مؤلفه رفتاری و عاطفی بیان شده است؛ به عبارت دیگر، تعامل شامل رفتارهای تجلی یافته دانش آموزان و عواطف تجربه شده توسط آن هاست به هنگامی که آن ها تکالیف مدرسه شان را انجام می دهند (ویل برن، 1991). همچنین تعامل رفتاری - عاطفی دانش آموز به عنوان پیش بینی کننده قوی یادگیری او، نمرات و موفقیتش در مدرسه تلقی می شود (اسکینر، ویلبورن و کانل، 1999).

مشارکت رفتاری - عاطفی بیش از هر چیز دو هدف را دنبال می کند. درگیری ذهنی و عاطفی: انسانی که مشارکت می کند خود - درگیر است و نه کار - درگیر، شماری از افراد درگیر شدن در کار را به اشتباه به مشارکت واقعی تعبیر می کنند، در حالی که اینان در حرکت های کالبدی مشارکت وارد می شوند و نه در چیز دیگر (طوسی، 1370). به همین دلیل مشارکت رفتاری - عاطفی به طیف گسترده های از رفتارها از جمله شروع، توجه متمرکز، پشتکار، تلاش و اجتناب از انفعال اشاره دارد (میسراندینو، 1996، اسکینر و بلومن، 1993). محققان با استفاده از یک چهارچوب انگیزشی ادعا می کنند که مشارکت عواطف و افکار انگیزشی به افزایش مشارکت رفتاری دانش آموز می انجامد (دکی وریان، 1985، اسکینر و همکاران، 2008). تاریخچه نظریه خودتنظیمی عنوان می کند که عواطف و تفکرات می تواند باعث تحریک و آغاز رفتار شود و همچنین می تواند رفتار را مهار کنند (برند استادر، 2006؛ گسترده تیر، لرنر، 2007، به نقل از لی، 2010). جانسون و همکاران (2006) دریافتند که مشارکت رفتاری مستقیماً به تغییرات پیشرفت تحصیلی در طی نوجوانی مرتبط است. دانش آموزانی که تعامل رفتاری ندارند پیشرفت کمتری داشته و ترک تحصیل از مدرسه در آنان بیشتر است (الکساندر، اینتوسیل و هارسی، 1997). به طور تجربی نیز ثابت شده است که مشارکت عاطفی باعث کاهش ریسک درگیر شدن در رفتارهای منحرف نظیر استفاده از الکل، ماری جوانا، سیگار و خشونت در نوجوانی می شود (شاکت و همکاران، 2006).

علاوه بر این، مشارکت، اساس کوشش های مدارس در جهت اصلاح و بهبودی است (موسسه مشاوره و پزشکی، 2004) و مشغولیت فعال فرد در تکالیف یا فعالیت ها را منعکس می کند (ریو، جن، کارل، جیون و بارچ، 2004). کلیم و کانل (2004) ادعا می کنند که بین تعامل و پیشرفت ارتباط وجود دارد و این رفتار مدرسه ای دارای فواید و مضرات اجتماعی و اقتصادی است. به علاوه ساختار تعامل طوری است که جلوی فرایند تدریجی عدم ارتباط دانش آموزان با مدرسه را می گیرد (فین، 1999). درک این مطلب مهم است که ترک تحصیل حادثه ای فوری نیست بلکه فرایندی است که به مرور رخ می دهد، لذا مشارکت وسیله ای فراهم می کند هم برای درک و هم مداخله کردن به هنگامی که ترک تحصیل و عدم ارتباط دانش آموز با مدرسه و با یادگیری رخ می دهد (آپلتون، کریستسون، کیم و ریچلی، 2006). فرد نیومن (1992) می نویسد قوی ترین و مداوم ترین مسئله مهم برای معلمان و دانش آموزان، موفقیت کم دانش آموز نیست بلکه عدم تعامل دانش آموز است. دانش آموزانی که مشارکت نمی کنند کلاس را رها کرده، در کلاس جست و خیز می کنند و در تکمیل تکالیف شکست می خورند (لی، 2010).

گر چه دانش آموزانی که مشارکت نمی کنند در مدرسه رفتار خوبی دارند، در کلاس حضور دارند و تکالیف کلاسی خود را کامل می کنند اما نشانه های کمی از هیجان، تعهد و احساس کفایت در تسلط بر تکالیف درسی خود دارند (نیومن، 1992). عدم تعامل همچنین باعث می شود که دانش آموزان سرمایه گذاری لازم و کافی بر تکالیف درسی خود انجام ندهند. تحقیقات همچنین نشان داده اند که ترک تحصیل دانش آموزان در دبیرستان فرایند تدریجی است که علت آن عدم تعامل دانش آموزان در سال های پیشین مدرسه است (فین، 1989). مراحل و گام های اساسی مشارکت دانش آموزان در فرایند تدریس

معلمان، دانش آموزان و محتوای آموزشی در اجرای مؤثر این روش نقش حیاتی دارند. ماهیت اساسی این نقشها در اثربخشی روش مشارکتی همانند سایر چهارچوب های یک روش مؤثر و کارآمد است. درسها اکثراً وقتی سودمندند که: معلمان سازه های درس را که دانش آموزان دانش یا مهارت کنترل آن را ندارند، کنترل کنند؛ علاقه دانش آموزان را برانگیزانند و آنان را وادار به فعالیت سازند؛

محتوای درس ماهیتاً متناسب با زمان تدریس و مطلوب و ارزشمند برای تلاش دانش آموزان باشد. (شعبانی، 1385). مطالعات و تحقیقات گسترده و پیچیده خوبی در مورد مراحل اجرای روش مشارکتی انجام گرفته است. اکثراً آن ها چهار مرحله بسیار مهم را برای اجرا متذکر شده اند؛ این چهار مرحله عبارتند از 1) ارائه یا معرفی محتوا؛ 2) تمرین مهارت یا توسعه فعالیت های آموزشی در گروه های نامتجانس؛ 3) ارزشیابی دانش آموزان به طور انفرادی؛ 4) بازشناسی گروه و ارائه پاداش. (شعبانی، 1385).

ارائه یا معرفی محتوا: در این مرحله معلمان محتوا را معرفی و زمینه مرور اجمالی درس را فراهم می کنند. این مرور اجمالی باید قبل از فرآیند یادگیری اتفاق بیفتد، استفاده از راهبرد مشارکتی بستگی به اثربخشی خود محتوا – هم به دانش و هم به فرآیند آن – برای دانش آموزان دارد. اگر ارائه محتوای جدید آشفته در هم برهم یا سطحی باشد، تمرینها به صورت ناقص انجام شود و تعامل معنا دار در استفاده از محتوا فدای یادگیری بدون اندیشه شود، نمی توان در اثربخشی روش یادگیری محتوا اعتماد کرد. یادگیری در روش مشارکتی یک روش خود آموز اما روشی است که دانش آموزان به یکدیگر در آموختن محتوایی که به آن ها به طور مؤثر و صریح معرفی شده است، کمک می کنند. (شعبانی، 1385) تمرین مهارت یا توسعه فعالیت های آموزشی در گروه های نامتجانس: دو عامل مهم ساختار وظیفه و نامتجانس بودن، اثربخشی گروه های یادگیری را فراهم می کنند. ساختار وظیفه یا وظایف تحصیلی و راهکارهای عملی اتمام آن ها به منظور وابسته بودن اعضا به طور فعال در یادگیری طراحی شده اند. در بسیاری از موارد موفقیت آمیز روش مشارکتی اعضای گروه با هم درگیر می شوند. آن ها با هم به طور انفرادی روی موضوعات تمرین می کنند، دریافتهای خود را درباره مساله باهم مبادله می کنند و در اجرای آزمون فردی در زمینه عناوینی که انتخاب شده اند، اعضای گروه باید نظر خود را درباره عنوان های دیگران ارائه دهند؛ و بازخوردی درباره آزمون ها ارائه می دهند و خدمات اصلاحی به یکدیگر ارائه می دهند. در دومین عامل گروه های اثربخش و مفید نمونه کوچکی از یک طبقه اجتماعی وسیع هستند، هر گروه از دو جنس زن و مرد و افرادی با پیشرفت تحصیلی پایین، متوسط و بالا و از طبقات مختلفی تشکیل می شوند، گروه های نامتجانس با مقاصد تحصیلی، چشم اندازها و تواناییها مختلف بیشتر اهداف تحصیلی را دنبال می کنند. (شعبانی، 1385).

3. ارزشیابی دانش‌آموزان به‌طور انفرادی: در این مرحله بدون کمک اعضای گروه، هر دانش‌آموز باید تسلط خود را در یک ارزشیابی انفرادی نشان دهد. هدف گروه در این مرحله انجام مستقل و مطلوب وظایف به‌طور انفرادی است. پرسش و پاسخ و مساعدت ممکن است توان و مهارت فردی را مغشوش کند. (شعبانی، 1385).

4. بازشناسی گروه و ارائه پاداش: در بسیاری از روشهای مشارکتی، موفقیت گروهها به‌وسیله میانگین نمره های افراد گروه شناخته می‌شوند و امتیازاتی نظیر عالی، بسیار خوب، خوب را کسب می‌کنند. این امتیازات همرا با جوایز متناسب است. (شعبانی، 1385).

مزایای استفاده از روش مشارکت دانش‌آموزان در فرایند تدریس

عزت نفس دانش‌آموزان افزایش پیدا می‌کند.

تمایل دانش‌آموزان به مدرسه، بیشتر می‌شود.

دانش‌آموز خود را نسبت به سرنوشت خویش و دیگران سهیم می‌داند.

استفاده به جا و صحیح از این روش، در دراز مدت ممکن است در زندگی آن‌ها نهادینه شده و تأثیر بسیار شگرف و مثبتی را به دنبال داشته باشد.

تقویت مهارت‌های سطح بالای تفکر (کرامتی، 1382).

هراس افراد کم رو و خجالتی برای صحبت کردن در جمع را کاهش می‌دهد.

همکاری گروهی و احساس دوستی در بین فراگیران تقویت می‌شود (شعبانی، 1385).

در تدریس مشارکتی دانش‌آموزان احساس مسئولیت بیشتری نسبت به تدریس انفرادی می‌کنند (یغما، 1370).

معایب استفاده از مشارکت دانش‌آموزان در فرایند تدریس

اگر این روش به‌درستی سازمان نیابد و افراد شرکت کننده نقش خود را به خوبی ایفا نکنند، نتیجه مفیدی عاید نخواهد شد.

در این روش برای دانش‌آموزان خردسال دوره ابتدایی کارایی زیادی ندارد؛ زیرا بحث کردن احتیاج به تفکر و تعقل دارد که این توانایی در کودکان سن پایین، رشد کافی نکرده است ولی از دوره راهنمایی به بالا می‌توان از این روش استفاده کرد.

این روش رو در تمامی موضوع ها و درس ها نمی‌توان بکار برد. بلکه از این روش در زمینه‌هایی که جنبه اجتماعی دارند و تمام افراد در آن‌ها علاقه مشترک دارند، استفاده می‌شود.

این روش را برای تعداد کم، حدود 6 تا 20 نفر می‌توان به کار برد و در گروه‌هایی که تعداد آن‌ها بیشتر از 20 نفر باشد، بحث گروهی مشکل است (صفوی، 1370)

4- نتیجه گیری

معمولاً با توجه به شیوه تدریس معلمان و جایگاه دانش‌آموزان در فرایند یادگیری می‌توان در مدارس نظام‌های آموزشی سه نوع محیط یادگیری را مشخص و از هم متمایز کرد. محیط اول، محیط رقابتی است که در آن یک یا چند نفر سود می‌برند و نوعی وابستگی درونی منفی در بین دانش‌آموزان برای رسیدن به هدف وجود دارد و در نتیجه دانش‌آموزان برای یافتن بهترین فرد با یکدیگر رقابت می‌کنند.

در یادگیری رقابتی دانش‌آموزان گمان می‌برند زمانی به اهداف خود خواهند رسید که هیچ‌یک از همکلاسان به آن اهداف نرسند

محیط دوم، محیط انفرادی است، محیطی که در آن تأکید روی فرد دانش‌آموز است و هر فردی به‌تنهایی تلاش می‌کند تا به اهداف خود برسد و موفقیت همکلاسان را مانع موفقیت خود نمی‌بیند و هدف او مستقل از هدف سایرین است

محیط سوم محیط مشارکتی است. در این نوع محیط دانش‌آموزان از طریق همکاری، مشارکت و فعالیت گروهی در قالب گروه‌ها به یادگیری می‌رسند در قبال یادگیری احساس مسئولیت می‌کند (شوفر، 2001 به نقل از کرمانی، 1384). اعضای گروه، بر کاری که معلم

برای آنان در نظر گرفته فعالیت می‌کنند و هر یک از اعضا گروه می‌داند که موفقیت یا شکست هر فرد، در موفقیت یا شکست کل گروه تأثیر خواهد گذاشت.







دهمین همایش ملی



تازه های روانشناسی مثبت



- Skinner, A., Kindermann, A., Furrer, J. (2009). A Motivational Perspective on Engagement & Disaffection Conceptualization & Assessment of Children's Behavioral & Emotional Participation in Academic Activities in the Classroom. Educational & Psychological Measurement Volume 69 Number 3, 493-525
- Skinner, E. A., & Belmont, M. J. (1993). Motivation in the classroom: Reciprocal effects of teacher behavior & student engagement across the school year. Journal of Educational Psychology, 85(4), 571-581
- Skinner, E. A., Furrer, C., & Kindermann, T. (2009). A Motivational Perspective on Engagement & Disaffection. Journal of Educational Psychology. Volume 69, Number 3, June 2009, 493-525
- Skinner, E. A., Wellborn, J. G., & Connell, J. P. (1990). What it takes to do well in school & whether I've got it: The role of perceived control in children's engagement & school achievement. Journal of Educational Psychology, 82, 22-32
- Skinner, Furrer, Marchand, Kindermann (2008). Engagement & Disaffection in the Classroom: Part of a Larger Motivational Dynamic? Portland State University Journal of Educational Psychology Vol. 100, No. 4, 765-781



دانشگاه همدان  
Hamadan University

دهمین همایش ملی



انجمن روانشناسان و  
پزشکان روانپزشکان  
شماره ملی: ۳۰۱۵۵۳۳۳۳

تازه های روانشناسی مثبت

ISC

Sponsored and Indexed by  
**CIVILICA**  
We Respect the Science